

## به نام اهورا مزدا

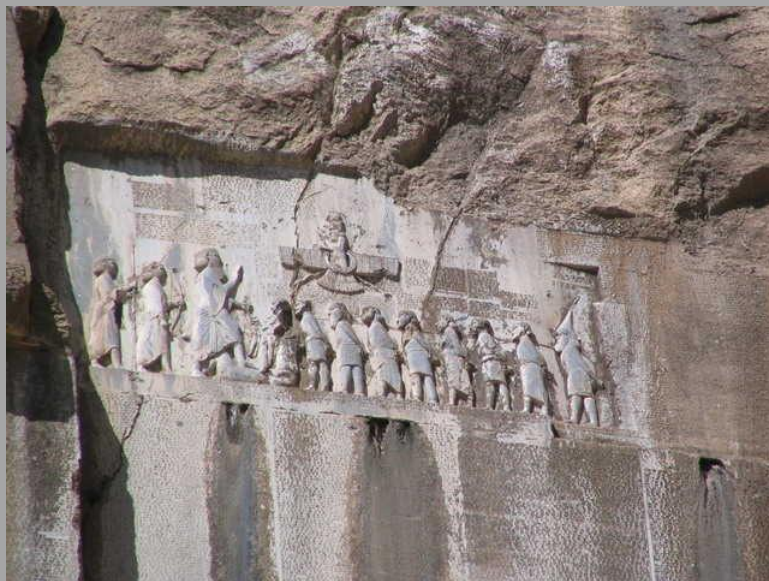


### قوم پارس

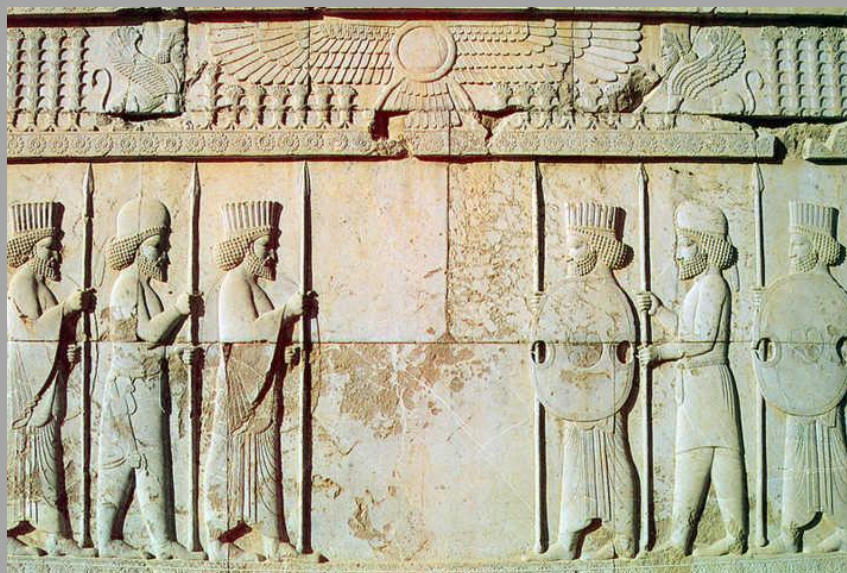
پارسیان از جمله اقوام ایرانی بودند که در سرزمین پارس سکونت داشتند . آنان ده قبیله بودند مهمترین قبیله این قوم "پاسارگادیان" بودند .

هخامنشیان هم طایفه ای از این قبیله به شمار می آمدند. در کتیبه های آشورک از مردم پارس نیز ذکر به میان آمده است . پارس ها در آغاز با مادها در دامنه کوههای زاگرس زندگی می کردند . بعدها به سرزمین پارس مهاجرت کردند و تابع دولت ماد شدند.

برای دیدن ویژه گی های هخامنشیان و دیگر عکسها به ادامه مطلب بروید



کتیبه بیستون که در آن داریوش بزرگ اقداماتش را شرح داده است



سربازان پارسی و ماد



### کاخ آپادانا

### - کوروش بزرگ

کوروش دوم باب جدید در تاریخ عالم باز کرد .

او از نوابغ روزگار خود بود و تنها به کشور گشایی و جهانگیری اکتفا نکرد . کوروش می خواست اساس تمدن جدید ایجاد کند تا کلیه اقوام از زیر بار ظلم و ستم نجات یافته و در کمال آزادی و آسایش زندگی کنند . از این رو ملل مختلف قدیم او را نجات دهنده نامیدند و یهودیان او را به چوپانی تشبیه کردند که از جانب خداوند مامور محافظت بندگان خدا است .

اوضاع داخلی ماد موجب شد که کوروش بر علیه آستیاك قیام کند . لشگر پادشاه ماد در جنگ پاسارگاد شکست خورد . به دنبال آن سپاهیان آستیاك بر او شوریدند . او را گرفتند و تسلیم کوروش کردند ( ۵۰ ق . م ) کوروش آستیاك را اذیت و آزار نکرد . شکست آستیاك و پیشرفت قوم پارس ، پادشاه لیدک کرزوس را در اندیشه انداخت و به جنگ با کوروش برخاست . او با متحدین مصری و یونانی خود بر علیه حکومت کوروش متحد شد ، اما کوروش او را مهلت نداد و در سال ۶ ۵۴ ق . م به سارد پایتخت لیدک لشگر کشید

در این جنگ سرزمین هاک مهم آسیاک صغیر به دست سرداران کوروش فتح شد . از سال ۵۴۵ تا ۵۳۹ ق . م کوروش با اقوامی که بین دریای کسپین(خزر) و هند اقامت داشتند مشغول مبارزه گردید و در این مدت بلخ – مرو و سفد را تا حدود سیحون گرفت . استحکاماتی در آن حدود بنا کرد که تا زمان اسکندر بر پا بود . سپس زرنك (سیستان) و مکران را به تصرف درآورد.

در سال ۵۳۹ ق . م . کوروش به فکر تسخیر بابل (آن شهر پر افتخار قدیم) افتاد و آنرا تصرف کرد . کوروش پس از ورود به بابل ، معابد بابلیان را محترم شمرد ، قتل و غارت را منع کرد و وقتی کوروش وارد پایتخت بابلی ها گردید . اهالی بابل به استقبال او شتافتند

و اوک را نجات دهنده خود نامیدند .

کوروش مذهب خود و آداب ملت خویش را بر احدک تحمیل نکرد . عدل و رأفت او شامل حال همه ملتها شد . ظروف و طلا و نقره او را که از بیت المقدس آورده بودند . به یهودیان برگرداند و به آنان اجازه داد به سرزمین خود برگردند و معبد های خراب شده خود را بسازند . بیانیه کوروش در بابل واقعه مهمی در تاریخ انسانیت محسوب می شود . زیرا در آن پادشاه ایران برخلاف گذشتگان عدل و رأفت خود را نسبت به ملل مغلوب اظهار داشته است .

معلوم نیست آخرین جنگهای کوروش در کدام حدود و با چه اقوامی بوده ، آنچه می توان از گفتار مختلف نویسندگان قدیم نتیجه گرفت این است که طوایف صحرا نشین آسیاک میانه حدود شرقی ایران را عرصه تاخت و تاز خود قرار دادند . کوروش به دفاع از سرزمین ها خود شتافت و در این کارزار زخم برداشت و مدتی بعد از دنیا رفت ( ۲۸ ق . م )

جنازه او را در پاسارگاد به خاک سپردند.

#### - کمبوجیه

پس از کوروش پسر بزرگ او کمبوجیه بر جای پدر نشست . این پادشاه در زمان کوروش حکمران بابل بود و در غیبت او نیابت سلطنت را داشت . برادرش نیز بر دیا حکمرانی ایالات شرقی را داشت .

پس از رفع شورش های داخلی ، در سال ۵۲۶ ق . م کمبوجیه تصمیم گرفت مصر را به تصرف درآورد . او بیم آن داشت که در غیاب او برادرش بردیا اقداماتی بر علیه او انجام دهد . به همین دلیل مخفیانه او را به قتل رسانید .

کمبوجیه با سپاه خود از صحراک سینا بین فلسطین و مصر گذشت و فرعون مصر را شکست داد . طولی نکشید که پایتخت مصر را تصرف کرد . در ادامه فتوحات ، قصد تصرف کارتاژ را کرد ولی پشیمان شد (به علت دوری راه) . همچنین کمبوجیه برای تسخیر نوبی (حبشه امروزی ) به سوی آن سرزمین لشکر کشید ، ولی نتیجه ای نگرفت و بیشتر سپاهیان او در بیابانهای حبشه گرفتار بی آذوقگی و بی آبی و گرمای طاقت فرسا شدند و از پا درآمدند .

کمبوجیه در سال ۵۲۳ ق. م به طرف ایران حرکت کرد که در شام خبر شورش يك نفر از مغان به اسم گئومات به گوشش رسید گئومات خودش را "بردیا" نامیده بود ادعای سلطنت می کرد . در راه ، هنگام سوار شدن بر اسب حلقه غلاف خنجر کمبوجیه پاره شد و خنجر عریان در ران او فرو رفت و زخمی شد . بر اثر این زخم ، کمبوجیه در شام درگذشت .

#### - داریوش بزرگ

داریوش یکی از پادشاهان بزرگ روزگار باستان است . او در هفت سال و در ۱۹ جنگ تمامی مدعیان سلطنت را که در اطراف کشور طغیان کرده بودند ، مغلوب کرد .

کتیبه معرف بیستون یادگار این اقدامات بزرگ است . داریوش پس از سرکوب شورش های داخلی در سال ۵۱۷ ق . م به طرف مصر رفت و

حکمران آنجا را که شورش کرده بود شکست داد

داریوش کشور خود را به بیست یا سی ساتراپی (ایالت بزرگ ) تقسیم کرد . برای اینکه تمام قدرت به دست ساتراپ یا حکمفرما نیفتد در کنار هر يك از آنان يك فرمانده لشکر و يك دبیر مخصوص گذاشت تا مواظب ساتراپ باشند و مستقیماً با دربار مکاتبه کنند . گذشته از این برای جلوگیری از تعدد ستمگری و حاکمان ومأموران مالیات و برای گسترش عدالت برنامه های خاصی ترتیب داد مثلاً بازرسان مخصوصی در سر تاسر مملکت مواظب مامورین عالی مقام دولتی بودند و مامورین دیگر نیز پنهانی کارهای متصدیان امور را

تحت نظر گرفته به دربار شاهنشاه اطلاع می دادند .

داریوش شاهراه سارد و شوش را که قریب ۲۴۰۰ کیلومتر است ساخت ؛ در هر چند کیلومتر ایستگاه برید ، ساخلوک نظامی، مهمانخانه های باشکوه و چاپارخانه ای برای تعویض اسب یافت می شد. این پادشاه سکه طلا (داریک ) را رایج ساخت . مالیات ها را کم کرد و کشاورزان را تشویق کرد . او تنگه ای را که نیل را به دریای

سرخ مربوط می کرد و کشتی های مدیترانه از راه آن به اقیانوس هند برمی گشتند باز کرد . (امروزه به نام کانال سوئز معروف شده)

داریوش به پیشرفت صنعت معماری و حجاری توجه زیادی کرد و می توان گفت که این پادشاه در هر رشته از کارها اقدامات برجسته ای کرد .

حدود سال ۵۱۲ ق . م داریوش وارد پنجاب شد و اراضی وسیعی را در آن حدود به تصرف خویش درآورد و ساتراپی جدید تشکیل داد .

داریوش در ادامه فتوحات ، به فکر تصرف سرزمین « سگیتهای » اروپائی « روسیه جنوبی » افتاد ، چرا که این اقوام در حدود مرزبانی ایران ایجاد زحمت می کردند .

در سال ۵۱۴ ق . م داریوش پس از عبور از کانال به سفر به سوک رود دانوب رفت و به تعقیب سگیتهای پرداخت . سپس به سارد برگشت اما باقی مانده لشکر او که در اروپا مانده بودند شهرهای ترکیه را تصرف کردند و پادشاه مقدونیه نیز مطیع ایران شد.

داریوش در ادامه با یونانیان وارد جنگ شد ولی در جنگ ماراتن از یونانیان شکست خورد .

- سایر پادشاهان

دیگر پادشاهان هخامنشی عبارتند از : خشایارشا ، خشایارشاک دوم ، داریوش دوم ، اردشیر دوم ، اردشیر سوم و داریوش سوم .

داریوش سوم آخرین پادشاه این سلسله است که طی جنگ هایی که با اسکندر مقدونی داشت شکست خورد و سرزمین هخامنشی به تصرف اسکندر درآمد .

### تشکیلات

پادشاهان هخامنشی در اداره کردن ممالک وسیع خود ، عادات و مذاهب ملل را محترم شمردند . تشکیلات خصوصی آنان را بر هم نزدند و حتی در اکثر نقاط ، از میان بومیان روسای محل را انتخاب می کردند و بیگانه را بر آنان مسلط نمی داشتند . مادام که این اقوام مالیات پرداخته و خود را از اتباع ایران میدانستند ، احکام مزاحم آنان نمی شد . چنانچه در شرح حال داریوش گفته شده این ممالک وسیع به بیست چهار تا سی ساتراپی ، تقسیم شده و هر ساتراپی دارای یک نفر حکمفرما موسوم به ساتراپ بوده و یک نفر دبیر که کارهای ساتراپ را تحت نظر می گرفت ، در قلعه هر شهر يك حکمران موسوم به " ارگ پت " یافت می شد . فرمانده لشکر ساتراپ و دبیر مستقلا وظایف خود را انجام می دادند و مستقیما با دربار در تماس بودند . احکام شاهنشاه را چاپارهایی که بدون توقف در راه بودند و آن اراضی وسیع را می پیمودند به مقامات مربوط می

رسانند عده اک مامورین موسوم به چشم و گوش شاه در هر سال مناطق دور دست را بازرسی می کردند و نتیجه تحقیقات خود را به دربار اطلاع می دادند .

### مذهب

پادشاهان هخامنشی اهورا مزدا را خالق زمین و آسمان می دانستند و اقتدار و سلطنت خویش را از تأییدات اومی دانستند . از آنجا که اهورا مزدا نادیدنی بود او را در مقابل آتش که نماد قدرت و شکوه بود می پرستیدند. در اکثر کتیبه های برخی پادشاهان برای اولین بار نام مهر و ناهید برده شده است . اگر چه ایرانیان قدیم به مهر معتقد بودند و آن را مقدس می شمردند ولی اعتقاد پادشاهان هخامنشی به این رب النوع ، از اواخر قرن پنجم قبل از میلاد است و از زمان اردشیر دوم است که پادشاهان این سلسله مهر را مقدس دانسته اند و در موقع سوگند وک را شاهد گرفته اند ، یا در جنگ از او یاری خواسته اند . ملت ایران در آن زمان آب و آتش و باد و خاک را مقدس می دانستند.

مغان قبیله اک از مادها بودند که کارشان به اجرای مراسم مذهبی اختصاصی داشته است و حضور آنها برای اجرای مراسم خواندن سرودهای مذهبی واجب بوده است . فرق عمده اک که بین مراسم پارسیان و مغان مشاهده شده ، این است که پارس ها اجساد خود را موم اندوده کرده و بعد به خاک می سپردند ولی مغان دفن اموات را جایز نمی دانستند و معتقد بوند که خاک مقدس است و نباید لاشه را در آن دفن کرد

### صنایع و هنر

پادشاهان هخامنشی که ممالک وسیعی را تحت تصرف خویش در آورده و ملت های بسیاری را مطیع خود ساخته بودند در ساختن بناها و کاخ های سلطنتی خویش از مهارت کلیه معماران ماهر و استادان قابل استفاده می کردند . از آن جهت در آثار صنعتی ایران آن عصر شیوه های معمارک سایر ملل نیز دیده می شود .

از این رو باید گفت ، صنعت ایران از صنایع گوناگون ترکیب یافته بود و آنچه ایرانیان در این خصوص ابداع کردند طرز ترکیب این صنایع با یکدیگر بوده است تا هم در نظر زیبا نماید و هم عظمت عصر هخامنشی را برساند . در این خصوص ایرانیان متنهاک ذوق و سلیقه را به کار بردند به گونه اک که صنعت ایران صنعت مخصوصی گردید که از صنعت سایر ملل متمایز است .

### خط و زبان

کتیبه هایی که سلاطین هخامنشی از خود به یادگار گذاشته اند به سه زبان است : پارسی باستانی ، زبان انزانی یا شوشی و زبان بابلی ، ولی بعضی از آنها فقط به پارسی باستانی ، است که درباریان و خانواده سلطنتی بدان

تکلم می کرده اند . کلیه این زبان ها را با حروف میخی می نوشتند . گفته اند اساس این حروف از خط بابلی اقتباس شده آن را ساده و مختصر کرده اند . به جای صدها علامت و اشکالی که در خط بابلی بوده ، خط میخی فارسی فقط ۳۶ علامت و چند شکل معین داشته است . مهمترین کتیبه ایام هخامنشی کتیبه معروف بیستون است که در آن داریوش بزرگ شرح اقدامات خود را می دهد و به سه زبان نوشته شده است .

## معماری

مهمترین بناک عهد هخامنشی تخت جمشید(پارسه) است که یونانیان به آن پرسپولیس می گفتند . عظمت این بنا امروز هم از خرابه های آن مشخص است . در ساختن قصرها و ساختمان این بناک بزرگ اکثر پادشاهان هخامنشی دخالت داشته اند ولی می توان گفت مهمترین کاخ های آن در زمان داریوش اول و خشایارشا بنا گردیده است .

آثار واقع در پاسار گاد به ویژه مقبره کوروش بزرگ و مقبره پادشاهان هخامنشی و کعبه زرتشت واقع در نقش رستم و باقی مانده های کاخ داریوش واقع در شوش ، از دیگر آثار مهم بجای مانده از عهد هخامنشی به شمار می روند .

به طور کل میتوان گفت هخامنشیان اولین و یکی از بزرگترین امپراطورک های جهان بودند

اینان کسانی بودند که تمامی جهان شناخته شده آن زمان را بتصرف خود در آوردند

و حدود ۲۵۰ سال بر آن حکم راندند...

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی